

نام‌های اهورامزدا در *اوستا*^۱

ملیحه شیرخدائی^۲

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

بخشعلی قنبری

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

چکیده

مفهوم خدا جوهره اصلی و بنیادی‌ترین مفهوم در بسیاری از متون مقدس از جمله *اوستا* است. در این گونه متون، صفات و ویژگی‌های خداوند از طریق اسماء و نام‌هایی بیان شده است که هر یک معرف جنبه‌ای از وجود خداونداند. در *اوستا* نیز خداوند با نام‌های متعددی چون اهورامزدا که معرف بالاترین خرد و یکتایی کامل اوست، و نیز صد و یک نام دیگر خوانده شده است. اهورامزدا در گاهان خداوند خرد است که گیتی و مینو را به وسیله آن می‌آفریند. بدین سبب جهان هستی که سراسر نیکویی است، فعل او به‌شمار می‌آید، اما او بیکرانه و نامحدود، و گیتی کرانه‌مند و محدود است. اهورامزدا قائم به ذات است و امشاسپندان که جلوه‌های او هستند، قائم به او می‌باشند. به این ترتیب، آفرینندگی و فزونی بخشی، اقتضای ذات اهورامزدا به‌شمار می‌آید که از طریق سپنته مینو که خرد مقدس و هستی‌بخش اوست، به ظهور می‌رسد. در این پژوهش کوشش بر آن است که با بررسی نام‌های خداوند در *اوستا* و تفاسیر آن، صفات و ویژگی‌های اهورامزدا از دیدگاه دین‌مزدایی تبیین شود.

کلید واژه‌ها

اهورامزدا، سپنته مینو، خرد مقدس، امشاسپندان، *اوستا*.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۸/۱۰

۲. پست الکترونیک: kimia.khoday@yahoo.com

سیر تحول واژه اهوره‌مزدا

پیرامون مفهوم خدا در دین زرتشت دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برای نمونه، مولتون بر این باور است که اهورای دانا یا اسورای حکیم، پیش از دوران زرتشت وجود داشته است. خدای دانا ایزد خاص آریایی‌ها بود و این نکته خود مؤید آن است که زرتشت یک آریازنتو^۱ بود، نه یک مغ که سال‌ها بعد او را به آن محکوم کردند. برای اینان اهورامزدا خدای قبیله^۲ بود و نسبت به ایزدان طبقات دیگر در مقام بالاتری قرار داشت. به نظر می‌رسد که اولین قدم زرتشت این بود که از چندگانه‌پرستی موجود به سوی یگانه‌پرستی رود و از ایزدی که بزرگ‌ترین ایزدان بود، به خدای واحد روی آورد. نیولی نیز وجه اصلی تمایز دین زرتشت را از ادیان هند و اروپایی و مرکز آسیا، وجود خدای یگانه بیان می‌کند.^۳

اعتقاد به وجود خدایی واحد و یگانه از اصول بنیادین در باورهای زرتشتیان است و مشهورترین نام خداوند که بارها در *اوستا* و به‌ویژه در گاهان به چشم می‌خورد، نام اهوره‌مزدا است، که به صورت‌های مزدا اهوره^۴ و مزدا اشه^۵ نیز آمده و معرف والاترین ایزد در آیین مزدیسنا می‌باشد.^۶ ظاهراً اهوره‌مزدا نام بزرگ‌ترین بغ ایران باستان بود که از سوی زردشت برای خواندن خداوند یکتا به کار رفته است. نام اهوره‌مزدا در گذر زمان چنان تحول یافته

1. Ariyazantu

2. Clan god

۳. دوشن گیمن، ژ.، *زرتشت و جهان غرب*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، ۱۳۵۰ش، صص ۴۱-۴۲؛ نیز:

Gnoli, Gherado, "Ahura", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1981, vol. 1, p.581; Moulton, James H., *The Treasure of The Magi*, London, 1917, p.90.

۴. یسنه: ۲:۲۸، ۱:۵۳، ۱۰:۵۰.

۵. همان، ۵:۲۸، ۲:۴۴.

۶. هنینگ، والتر برونو، *زرتشت سیاستمدار یا جادوگر*، ترجمه کامران فانی، تهران، پرواز، ۱۳۶۵، صص ۴۶ -

۴۷؛ گیگر، ویندشیمین، اشپیگل و سن جانا، *عصر اوستا*، ترجمه مجید رضی، تهران، آسیا، ۱۳۴۳، صص ۷۱؛ نیز:

هنینگ، والتر برونو، *زرتشت سیاستمدار یا جادوگر*، ترجمه کامران فانی، تهران، ۱۳۶۵ش، صص ۴۶-۴۷؛

گیگر، ویندشیمین، اشپیگل و سن جانا، *عصر اوستا*، ترجمه مجید رضی، تهران، ۱۳۴۳ش، صص ۷۱؛ نیز:

Kuiper, F.B.J., "Ahura", *Encyclopaedia Iranica*, E. Yarshater (ed.), California, 1998, vol.1, pp.683,684.

است که درک معنای لغوی آن مشکل می‌نماید.^۱ این واژه از دو بخش تشکیل شده است که بخش نخست آن، یعنی اهوره که هم ریشه با اسوره، خدای آریائی‌های هند و ایرانی است، به معنی آفریننده، هستی‌بخش، سرور، سالار، ارباب و فرمانروا است و بخش دوم آن مزدا، خود از دو قسمت «مه» به معنای بزرگ، و «زدا» به معنای دانای مطلق و قائم به ذات تشکیل شده و با هم به معنای دانای مطلق و حکیم است. در سنسکریت، مَدِش به معنی دانش و هوش می‌باشد و هنگامی که صفت مزدا برای خدا به کار می‌رود، از آن معنای هوشیار و آگاه برداشت می‌شود. نام اهوره در عصر هند و ایرانی و پیش از زرتشت، به معنی سرور بوده است. به این ترتیب، کلمه مزدا واژه‌ای ایرانی و به معنای همه چیز دان، زندگی‌بخش و صاحب خرد است، که به عنوان صفت اهوره در نظر گرفته می‌شود. در برخی بندهای گاهان نیز این واژه به معنی حافظه و به خاطر سپردن و به یاد داشتن است.^۲ در اوستا این دو واژه به صورت جدا از هم نیز آورده شده است.^۳ برای نمونه، در یسنه ۲۸ بند اول، واژه مزدا به تنهایی آمده است. در بند هشتم همین هات، ابتدا اهوره و پس از چندین کلمه فاصله، مزدا آمده است. در بند ششم، برعکس اول مزدا و پس از چند جمله، اهوره دیده می‌شود و در بند دوم مزدا اهوره به کار رفته است. در گاهان اغلب مزدا اهوره به تخفیف به صورت مزدا می‌آید و کمتر اهوره مزدا، یا اهوره گفته شده است. این خود بیانگر آن است که لفظ مزدا در نظر زرتشت بر حقیقتی عمیق‌تر از حقیقتی که لفظ اهوره به آن اشاره می‌کند، دلالت دارد و اصلاً دومی تابع اولی است. به گفته برخی محققان نام خدای بزرگ زرتشت در یسنه ۳۵ و ۴۱ که دو فصل اول و آخر یسن هفت هاتی است، به‌طور متناوب به هر دو صورت اهوره مزدا و مزدا اهوره آمده است. در سراسر

۱. هیتس، والتر، *داریوش و ایرانیان: تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان*، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ۱۳۸۶ش، صص ۸۳-۸۶.

۲. پیرنیا، حسن، *تاریخ ایران قبل از اسلام*، تهران، ۱۳۸۰ش، ص ۲۵۰؛ بهرامی، احسان، *فرهنگ واژه‌های اوستایی*، تهران، ۱۳۶۹ش، ج ۱، صص ۱۹۲، ۱۹۳ و ج ۲، صص ۱۰۸۲، ۱۰۸۳؛ اوشیدری، جهانگیر، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران، ۱۳۷۱ش، صص ۱۹-۲۰؛ آذرگشسب، فیروز، *ترجمه و تفسیر گاتاه‌ها*، تهران، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۵۹؛ نیز:

Gnoli, Gherado, p.159; Kuiper, F.B.J., p.684; Forlong, J.G.R., "Ahura-Mazda", *Encyclopedia of Religions or Faiths of Man*, New Delhi, 2005, vol.1, p.51; Ince, Richard, *Dictionary of Religion and Religions*, New Delhi, 2007, p.293.

۳. یسنه: ۲۷: ۱۳، ۲۸: ۱، ۲۸: ۸، ۲۸: ۶.

یسنه ۳۶ عنوان مزدا اهوره و در سراسر یسنه ۳۸ اهوره مزدا به کار رفته است.^۱ در مرتبه نام و صفات، دو اسم مزدا و اهوره از یکدیگر متمایز می‌شوند و در مقام آخر که مقام فعل است، سپتته مینیو پدیدار می‌گردد. در گاتاها بیشتر به شکل ترکیبی مزدا اهوره برمی‌خوریم^۲ و به ندرت این دو واژه جدا از هم یاد شده‌اند.^۳ در سراسر گاهان هرجا این دو واژه با هم آمده است، مزدا مقدم بر اهوره است. در یسنه ۲۸ بند اول زرتشت می‌گوید: «توای مزدا اهوره مرا از خرد خویش تعلیم ده و از زبان خویش آگاه ساز که روز واپسین چگونه خواهد بود؟» در سایر بخش‌های *اوستا* برعکس گاهان، هرجا که این دو واژه با هم آمده، اهورا مقدم بر مزدا است. البته در بعضی قسمت‌های *اوستا* نیز مزدا اهوره آمده است. در سنگ نبشته‌های میخی نیز بیشتر اهورا مقدم بر مزدا می‌باشد.

اشه^۴ نیز به معنای راستی، مشیت الهی و نظم کیهانی می‌باشد، که هستی را سامان می‌دهد.^۵ اشه معیار اخلاق و ضابطه تشخیص نیک و بد است و ارزش‌های اخلاقی را به صورت مطلق به دست می‌دهد.^۶ اهورا مزدا دادار، به معنای آفریننده همه چیزهای مادی و مینوی است و با اندیشیدن او همه چیز هستی می‌گیرد.^۷ او از عدم می‌آفریند و با خود تنها است. می‌توان گفت که تقریباً از اواخر عهد اوستایی، نام اهوره مزدا به شکلی پایدار و دائمی جهت معرفی خدای زرتشتیان به کار رفته است.^۸ بعدها نیز نام اهوره مزدا به معنی پروردگار جان و خرد در کتیبه‌های شاهان هخامنشی به فراوانی دیده می‌شود.

۱. عالیخانی، بابک، بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق *اوستایی*، تهران، ۱۳۷۹ش، صص ۴۵، ۴۷، ۵۱، ۵۲.

۲. یسنه: ۲۸: ۲.

۳. نک: دوانلو، فرانک، گاتهای زرتشت (متن تطبیقی براساس هشت ترجمه فارسی)، شیراز، ۱۳۸۷ش.

4. Schlerath, B., "Aša", *Encyclopedia Iranica*, E. Yarshater (ed.), California, 1998, vol.2, p.694.

5. Boyce M., "Ahura Mazda", *Encyclopedia Iranica*, E. Yarshater (ed.), California, 1998, vol.1, p.685; Long, Bruce J., "Cosmic Law", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), 1987, vol. 4, p.88.

6. Zaehner, R., *The Dawn and Twilight of Zoroastrianism*, London, 1975, p.63.

۷. یسنه: ۳۱: ۷: نیز:

Jacob, Safra E., "Ahura mazda", *The New Encyclopedia Britannica*, Chicago, 1968, vol.1, p.169; Hartz, Paula R., *World Religions (Zoroastrianism)*, New Delhi, 2008, vol.14, p.9.

۸. گیگر، ویندشیمن، اشیگل و سن جانا، ص ۵۳.

واژه اهوره مزدا در فارسی باستان به شکل ائورمزدا، در پهلوی اورمزد^۱، در فارسی هرمزد، و در برخی سنگ نبشته‌های پادشاهان هخامنشی ائورمزده آمده است.^۲ هم‌چنین خدا، خداوند، یزدان و ایزد به همین معنا در فرهنگ فارسی آمده است. افزون بر این، به معنای رامش و برجیس^۳ نیز می‌باشد.^۴ این واژه نخست از ترکیب دو واژه آریایی با معانی مختلف توسط زرتشت به عنوان نام خدای یگانه ایرانیان درآمد و پس از چندین سده از زبان مخصوص گاتاها و اوستا به زبان پارسی باستان وارد شد و سپس وارد زبان پهلوی گشت و از آنجا به فارسی زبانان رسید.^۵

از آن‌جا که عموماً متون اوستایی را بر دو بخش اوستای کهن - مشتمل بر گاهان، یسنای هفت هاتی و دو دعای معروف یسنه ۲۷ که منسوب به شخص زرتشت، و از نظر زبانی از دیگر بخش‌های اوستا قدیمی‌تراند - و اوستای جدید - شامل بخش‌هایی چون وندیداد، ویسپرد، یشت‌ها، یسن‌ها و خرده اوستا - تقسیم می‌کنند،^۶ لازم است که نام اهوره مزدا در هر دوی آن‌ها مورد بررسی قرارگیرد.

اهورامزدا در سنگ نبشته‌های هخامنشی

در کتیبه‌های به جا مانده از دوره هخامنشیان، از آریارمنه تا اردشیر سوم، همه جا اورمزد خدای بزرگ، بزرگ‌ترین خدایان و ستودنی خوانده شده است.^۷ شاهان، همه کارهای بزرگ

1. Ormazd

2. Kuiper, F.B.J., p.684.

۳. ستاره مشتری.

۴. تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، به کوشش محمد معین، تهران، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۸۳؛ حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، تهران، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۶۸۸؛ دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۳۶۷۳.

۵. اوشیدری، جهانگیر، ص ۲۰.

6. Hintze, A., "On The Literary Structure of The Older Avesta", *Bulletin of the School of Oriental of African Studies*, 2002, vol.65, part.1, pp.32-39.

۷. کرین بروک، فیلیپ، «اخلاق و جامعه در فلسفه زرتشتی»، ترجمه سید سعید رضا منتظری، جستاری در فلسفه زرتشتی (مجموعه مقالات)، قم، ۱۳۸۸ش، صص ۹۸-۱۰۱؛ شارپ، رلف نارمن، فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، تهران، ۱۳۸۸ش، صص ۲۱-۱۴۲؛ نیز:

Dijkstra, Henk, *History of the Ancient and Medieval World (The Early Middle Ages in Western Asia and Europe)*, New York, 2009, vol. 6, p.726.

بزرگ خود را از یاری و عنایت او دانسته‌اند و اهوره مزدا را بزرگ‌ترین خدایان، یاری‌گرِ دادرس، خدای سرمدی که همواره شادی و آسایش را برای آدمی به ارمغان می‌آورد، عطاکنندهٔ سلطنت، بهترین مأمِن، خالق آسمان و زمین، مدبر و پیروزی‌دهنده، هدایت‌گر و نورمطلق معرفی می‌کنند.^۱ در این سنگ‌نشته‌ها، داریوش در کنار اورمزد از بغان دیگر نام می‌برد، که با هم او را یاری کرده‌اند، و خشایارشا نیز اورمزد و خدایان دیگر را بدون ذکر نام آن‌ها، می‌ستاید، اردشیر دوم در کتیبه‌های خود از اورمزد، میثرا و اناهیتا نام می‌برد و از آن‌ها یاری می‌خواهد. اما با وجود این، همهٔ شاهان در کتیبه‌های خود اورمزد را به‌عنوان خدای بزرگ خوانده‌اند.^۲ به این ترتیب، با بررسی سنگ‌نشته‌های به جای مانده از دوران هخامنشیان به خوبی در می‌یابیم که اهورامزدا بزرگ‌ترین بغان به شمار می‌رفته است.^۳

اهوره مزدا در گاهان

محور اصلی سرودهای گاهان یکتاپرستی و یکتاجویی است. از این رو، در آنها نشانی از باور به خدایان متعدد یافت نمی‌شود. اهوره مزدا در گاهان به عنوان خدایی یگانه، عاری از تجسیم و ترکیب، هستی‌بخش توانا، همه چیز دان،^۴ ازلی و ابدی،^۵ آفرینندهٔ همه چیز،^۶ پدر،^۷ سامان

۱. یانگ، کایلر، *ایران باستان*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران، ۱۳۸۵ش، صص ۴۰-۴۱؛ پیگولوسکایا، نینا و یکتورونا، *تاریخ ایران باستان*، ترجمهٔ مهرداد ایزدپناه، تهران، ۱۳۸۹ش، صص ۶۹-۷۱؛ طوسی مراغی، حمید، کتیبهٔ بیستون، تهران، ۱۳۸۲ش، صص ۵۹-۶۸؛ کامرون، جورج، «نسخه‌برداری از کتیبه‌های داریوش»، ترجمهٔ فرهاد آبادانی، *مجلهٔ باستان‌شناسی*، شماره ۱ و ۲، ۱۳۳۸ش.

۲. مجتبایی، فتح‌الله، *شهر زیبای افلاطون و شاه‌ی آرمانی در ایران باستان*، تهران، ۱۳۵۲ش، صص ۱۰-۱۵؛ نیبرگ، هنریک ساموئل، *دین‌های ایران باستان*، ترجمهٔ سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران، ۱۳۵۹ش، ص ۳۴۹؛ نیز:

Zaehner, R.C., pp. 155, 156, 161, 168, 169.

۳. دهالا، مانک جی نوشیروان، *خدانشناسی زرتشتی*، ترجمهٔ رستم شهزادی، تهران، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۶؛ مشکور، محمدجواد، *تاریخ اجتماعی در عهد باستان*، تهران، ۱۳۴۷ش، ص ۹۳.

۴. هروسپ آگاه .

۵. یسنه: ۳۱: ۸ .

۶. همان، ۱۳: ۳۱، ۴۴.

7. Hartz, Paula R., vol.14, p.10.

سامان آفرینش (اشه)^۱، عقل محض و سرچشمه همه خوبی‌ها، همیشه همان^۲ تواناترین، دادگرتترین، سازنده منش نیک، بخشنده خرد پاک و اندیشه روشن^۳، رسایی و جاودانی، بخشاینده نیکی‌ها و افزونی‌ها، خدای نگاهدارنده، سلامتی‌بخش، کاهن‌ترین کاهنان، مقدس، فزونی‌بخش، پادشاهی که به میل خود حکومت می‌کند، آزادمش، کسی که نه فریب می‌دهد و نه فریب می‌خورد^۴، حکیم‌ترین حکیمان، تابان، پرشکوه، بزرگ‌ترین^۵، بهترین، زیباترین، باثبات‌ترین، کامل‌ترین و سخی‌ترین روح، خیر محض و خدای نیکی و خوبی^۶، دوست^۷ و نیک‌اندیش^۸، معرفی می‌شود.^۹ بر اساس این سرودها، تنها یک آفریننده وجود دارد و هیچ خدای دیگری هم پایه او در نظر گرفته نمی‌شود.^{۱۰} در حقیقت اهوره مزدا وجودی است که قابل مقایسه با خصوصیات مشخصه بشری نیست. ستایش‌ها در اوستا همیشه با نام اهوره مزدا آغاز می‌شود. ستایش و بزرگداشت هر جزء از طبیعت مانند آب، خاک، ... و هر آنچه سودرسان و زندگی‌بخش است، در واقع اعتراف به یکتایی و بزرگی اوست. نمایش صفات بشرگونه برای خداوند، در گاهان بسیار نادر است، و با مطالعه این موارد چنین برمی‌آید که انعکاس چنین باوری در تعداد معدودی از بندهای گاتاها، تنها به جهت زیبایی و ضرورت شعری است^{۱۱} و به هیچ عنوان نمی‌توان او را توصیف کرد. در این مجموعه

۱. یسنه، ۱۳: ۳۱، ۴۴.

۲. همان، ۳۱: ۷.

۳. همان، ۴۷: ۲.

۴. همان، ۴۶: ۹.

۵. همان، ۲۸: ۵، ۳۳: ۱۱، ۴۵: ۶.

6. Hartz, Paula R., vol.14, p.10; Darmesteter, James, "The Shrōzahs, Yasts and Nyāyis", *Sacred Books of The East, the Zend-Avesta, Delhi, vol.23, Part 2, pp.27-28.*

۷. یسنه: ۳۱: ۲۱، ۴۴: ۲، ۴۶: ۲.

۸. همان، ۴۴: ۲، ۳۱: ۳، ۴۵: ۴.

۹. همان، هات ۳۱: ۷، ۸، ۱۳، ۴۵: ۸، ۵۱: ۷، ۴۴: ۳، ۴، ۵، ۷، ۳۳: ۸؛ هینلز، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، ۱۳۷۳ش، ص ۹۱؛ نیز:

Hartz, Paula R., vol.14, p.10.

۱۰. دهالا، مانک جی نوشیروان، صص ۴۶، ۴۷.

۱۱. همو، ص ۵۹؛ یسنه: ۳۱: ۸، ۴۵: ۴، ۴۷: ۲.

کهن، به شیوه‌ای روشن و بی‌پیرایه می‌توان روح اصلی و پیام حقیقی دین مزدیسنا را که همان اعتقاد به خدای واحد است، آن چنانکه زرتشت، پیامبر موحد ایرانی تبیین کرده بود، دریافت. از نظر زرتشت تنها اهوره مزدا شایسته پرستش است: «تو باید آن کس را با ستایش و پارسایی خود بستایی که همیشه مزدا اهورا نام دارد.»^۱ هم‌چنین می‌گوید: «کسی که به ضد دروغ‌پرست با زبان و اندیشه و دست ستیزگی کند، خوشنودی مزدا اهورا را به جای آورد.»^۲ زرتشت عظمت و جبروت را مختص اهورا مزدا می‌داند و او را آفریننده یکتا و خداوند توانا می‌شمرد. وی در یسنه ۴۴ با زبانی شاعرانه درباره توحید و اقتدار خداوند می‌گوید: «از تو می‌پرسم ای اهوره مزدا، کیست پدر راستی؟ کیست نخستین کسی که راه سیر خورشید و ستاره بنمود؟ از کیست که ماه گاه تهی است و گاهی پر؟ کیست نگهدار زمین در پایین و سپهر در بالا؟ کیست آفریننده آب و گیاه؟ کیست که به باد و ابر تندروی آموخت؟ کیست آفریننده روشنایی سودبخش و تاریکی، کیست که خواب و بیداری آورد؟ کیست که بامداد و نیمروز و شب قرار داد؟ و دینداران را به ادای فریضه گماشت؟ کیست آفریننده فرشته مهر و محبت آرمثیتی؟ کیست که از روی دانش و خرد احترام پدر در دل پسر نهاد؟» پس از اتمام این پرسش‌ها زرتشت در پاسخ چنین می‌گوید: «من می‌کوشم مزدا که تو را به توسط خرد مقدس به درستی آفریدگار کل بشناسم.» اهوره مزدا خیرخواه بندگان خود است و ستایش ایشان را می‌شنود.^۳ در گاهان سپنته مینیو به گونه‌ای متمایز از اهوره مزدا مورد توجه قرار گرفته است و نسبت به او در مرتبه پایین‌تری قرار دارد، اما در سنت بعدی زرتشتی با اهوره مزدا یکی دانسته می‌شود. در حقیقت، سپنته مینیو واسطه‌ای میان جهان مینوی و گیتی است و شناخت او تنها از راه خرد حاصل می‌شود، زیرا مزدا از طریق خردش آفریننده است و سپنته مینیو مظهر آفرینندگی اوست.^۴

۱. یسنه: ۴۵: ۱.

۲. همان، ۳۳: ۲.

۳. همان، ۴۵: ۶.

4. Boyce, M., *A History of Zoroastrianism*, Leiden, 1975, vol.1, pp.2, 69-71.

اهوره مزدا در اوستای متأخر

اهورا مزدا در دیگر بخش‌های اوستا، به ویژه یشت‌ها گاه همراه با شش فروزه به نام امشاسپندان می‌آید. این فروزه‌ها یا تجلیات، در واقع همان جلوه‌های مزدای پاک هستند که در گذر زمان تشخص یافته و هم چون وجودهایی مستقل از او تلقی شده‌اند که هر یک در اداره آفرینش او نقشی خاص را ایفا می‌کنند. در هر مزد یشت که سراسر گویای توانمندی و قدرت اهورامزدا یکتاست، بیست نام یا صفت ممتاز برای خداوند آمده است. در این یشت، اهورامزدا در گفتگو با زرتشت نام‌های متعدد خود را که هر یک از آن‌ها بیانگر وجهی از وجوه وجودی او هستند، بر می‌شمرد. در یشت‌های دیگر، که هر یک از آن‌ها در ستایش یکی از ایزدان است، مرتبه اهورا مزدا به‌عنوان تنها خدای آفریننده حفظ شده است و ایزدان دیگر اغلب یا آفریده او هستند و یا در مرتبه‌ای پایین‌تر از او به‌عنوان کارگزارانش در امور عالم و نبرد با اهریمن مطرح شده‌اند.^۱ در بخش‌های متأخر و جدید اوستا، اگرچه هنوز اهوره مزدا، خدای بزرگ و بزرگ‌ترین ایزدان است، اما ایزدان دیگری چون میثره، اناهیتا، آذر، وایو و ... که زرتشت در سرودهای یگانه‌پرستانه گاهان نامی از آن‌ها نیآورده بود، دوباره ظاهر می‌شوند و این بار در شمار کارگزاران مزدا در می‌آیند. بیشتر یشت‌ها که بخش بزرگی از اوستا را تشکیل می‌دهند، سرودهایی در ستایش این ایزدان‌اند، که در گذر زمان شاید توسط طرفداران پرستش خدایان چندگانه طبیعی و مغان که پس از زرتشت قدرت بیشتری یافته بودند، شکل گرفته‌اند.^۲ از آن‌جا که یکی از مهم‌ترین منابع شناخت ویژگی‌های اهوره مزدا، بررسی نام‌های متعدد اوست، در ادامه مقاله این نام‌ها و معانی آنها را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱. رام یشت، کرده ۴۶؛ بهرام یشت، کرده ۱؛ هادخت نسک، فرگرد ۲:۱.

۲. گیرشمن، رومن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، ۱۳۶۸ش، صص ۳۱۸-۳۲۳؛ فرای، ریچارد ن.، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، ۱۳۷۷ش، صص ۳۲۰؛ صفی زاده، فاروق، «صد و یک نام اهورامزدا»، *چیستا*، شماره ۱۵۴؛ نیز:

Darrow, William, "Zoroastrianism", *Encyclopedia of Religious Practices*, U.S.A., 2006, vol.V, p.554; Hartz, Paula R., vol.14, pp.73, 74.

صد و یک نام خداوند

غناى يك دين را بايد در نام‌هایی که برای خدا در آن آمده است، جستجو نمود. صد و یک نام در واقع تعاریف و صفات خداوند اند که در نیایش‌ها و سرودهای دینی زرتشتی به کار رفته‌اند. عمده‌ترین این نیایش‌ها مجموعه نیایش‌های دینی زرتشتیان، یعنی کتاب *خرده اوستا* می‌باشد. *خرده اوستا* یا *خورده اوستا* و در پهلوی *خورتک اوستاک* به معنی *اوستای کوچک*، یکی از بخش‌های *اوستای متأخر*، و جوان‌ترین بخش *اوستا*، کتابی مستقل، عاری از درونمایه‌های تازه است. این مجموعه در واقع شامل گزیده‌هایی از بخش‌هایی دیگر از *اوستا* (یسنا، یشت‌ها، ویسپرد و نذیراد)، و دعاها و نیایش‌هایی است که در اعمال عبادی روزانه، اعیاد، جشن‌های دینی سال و مراسم دینی چون روز *سدره‌پوشی*، کشتی بستن، عروسی، سوگواری و... به کار می‌رود. در واقع *خرده اوستا* دعا‌های کوتاهی است که مردم عادی در موقعیت‌های آئینی و در پنج‌گاه روز می‌خوانند. تدوین این کتاب ظاهراً توسط آذرباد مهر سپندان موبدان موبد دوره شاپور دوم ساسانی صورت گرفته است. نسخه‌هایی که از *خرده اوستا* در دست است یکی نیست و در بعضی از آن‌ها دعاها و نیایش‌هایی وجود دارد که در دیگری نیست. اما تنها بخش ثابت در همه نسخه‌ها، هرزديشت است.^۱ *خرده اوستا* به‌ویژه از آن جهت دارای اهمیت است که صدویک نام خداوند در آن آمده است. این نام‌ها عبارتند از:^۲

(۱) ایزد، یزت: ستودنی، بزرگ ستایش شونده (۲) هروسپ توان، هه رویسپ ته وان؛ توانای کل (۳) هروسپ آگاه، هه رویسپ ناگا: دانای کل (۴) هروسپ خدا، هه رویسپ خوتای: دارنده کل، خداوند بسیار بزرگ شادی بخش همگان (۵) ابده، نه بده: بی آغاز (۶) ابی انجام، نه وی نه انجام: بی پایان، بی انجام (۷) بوونه سته، بوئسته: بنیاد، اساس کل، بن

1. Hartz, Paula. R., vol.7, p.74.

2. See: Widengren, Geo, *Iranische Geisteswelt*, Amsterdam, 1961, pp.11-113.

3. Yazat

4. har wisp tawān

5. har wisp āgāh

6. har wisp xutā

7. abda

8. awê anjām

9. būnastaf

آفرینش ۸) فراخته نته^۱، فراختنده: توانای بسیار گسترده ۹) جمغ، چمغ: پیشرو ۱۰) فراژتره، پَرزَه تَرَه: بهترین ۱۱) توم اویژ، توم آفَه پَه: پاک‌ترین پاک‌ها ۱۲) ابرونت، اَبَرَه وِت: موجود در هر ذره‌ای، از همه بالاتر ۱۳) پروندا^۶: پیرامون همه چیز ۱۴) اِن ایاَفَه: در در نیافتنی ۱۵) هم ایاَفَه: مراد و یابنده همگان ۱۶) آدرو^۹: راست‌ترین ۱۷) گیرا^۱: دست‌گیر دست‌گیر ۱۸) آچِم^{۱۱}: خودآفریده، بی علت ۱۹) چمنا^{۱۲}: آفریننده کل، چِستی چِستی ها ۲۰) سِبَتته^{۱۳}: مقدس، خوبی رسان ۲۱) افزا، اوزا^{۱۴}: افزایشنده ۲۲) ناشا^{۱۵}: دادگر ۲۳) پرورا^{۱۶}: پرورش دهنده ۲۴) پانا: پناه دهنده، نگاه دار ۲۵) ئابین ئاوینه^{۱۷}: پیدا و پدیدار ۲۶) آن ئاوینه^{۱۸}: ناپیدا، بی شکل ۲۷) خره اُشیت توم^{۱۹}: استوارترین ۲۸) مینوتوم^{۲۰}: روحانی‌ترین ۲۹) واشنا^{۲۱}: دوست داشتنی‌ترین ۳۰) هروسپ توم^{۲۲}: هستی کل ۳۱) هوسی پاس^{۲۳}: سزاوار ستایش ۳۲) هر هِمیت^{۲۴}: امید همه ۳۳) هرِنکَفَرَه^{۲۵}: فر همه نیکی‌ها ۳۴) ئیش ترنا^{۲۶}:

1. firāxtanta
2. čēmaq
3. parzahtara
4. tūmāfaya
5. abarah want
6. parwanda
7. an ayāfa
8. hamo ayāfa
9. ādarow
10. gīrā
11. ačīm
12. čīmanā
13. spentā
14. awzā
15. nāša
16. parawrā
17. āyīn āwēna
18. ānāwēna
19. xira ošīt tūm
20. mīnū tūm
21. wāsnā
22. har wīsp̄tūm
23. hūsī pās
24. har hēmīt
25. har nēkfarē
26. ēštarnā

رنج زدا (۳۵) ترونیس^۱: بدی زدا (۳۶) آنه اُشک^۲: جاودانی، بی مرگ (۳۷) فَرَشک^۳: کام ده (۳۸) (۳۸) بَرَوَهَدَهَد، پَرَوَهیده^۴: پَرَوَهیدنی، جستجو شده (۳۹) خِواپر^۵: فروغمند، مهربان (۴۰) اَوخِشایا^۶: بخشاینده (۴۱) اَوَرزا^۷: برتری بخش (۴۲) اَسیتوه^۸: ناستوه (۴۳) رَحَه: بی‌نیاز (۴۴) وَرَوَن^۹: رهانیده، دور دارنده تباهی (۴۵) اَفْرِیفته، اَفْرِیپه^{۱۰}: فریب ناپذیر، فریفته نشدنی (۴۶) اَوَفْرِیپ ته، بی فریفته^{۱۱}: نافربنده (۴۷) آزوی^{۱۲}: یکتا (۴۸) کام رت^{۱۳}: کام ده سرور بخش (۴۹) فرامان کام^{۱۴}: کام بخش (۵۰) اَیخته^{۱۵}: یگانه، بی انباز (۵۱) اَفَرُموش^{۱۶}: بی فراموشی (۵۲) هَمارنا^{۱۷}: آمارگر، شماردار (۵۳) شِنایا^{۱۸}: شنونده، همه چیزدان (۵۴) اَتَرس^{۱۹}: بی ترس (۵۵) اَبیش^{۲۰}: بی‌رنج (۵۶) اَفراز توم: سرافرازترین (۵۷) هَم چون^{۲۱}: همیشه یکسان (۵۸) مینوسِتیگر^{۲۲}: آفریننده جهان مینوی (۵۹) آمینوگر^{۲۳}: آفریننده جهان مادی (۶۰) مینوَهَب، مینو نهفت^{۲۴}: روان ناب (۶۱) آذرباتگر، آذربادگر^{۲۵}: تبدیل کننده آتش به هوا (۶۲) آذرنگر^{۲۶}:

1. tarūnīs
2. ana ošk
3. farašk
4. pazow had had
5. xiwāpar
6. awaxšāyā
7. awarzā
8. asī towa
9. war win
10. afrīpa
11. awēfirīpta
12. azawī
13. kāmrat
14. firāmān kām
15. ayēxta
16. afaromūš
17. hamārā
18. šināyā
19. atars
20. abīš
21. hamčūn
22. mīnow sitīgar
23. amīnowgar
24. mīnow nahab
25. āzar bātgar
26. āzar namgar

پدیدآورنده آتش از آب (۶۳) بات آذرگر، وات آذرگر^۱: پدیدآورنده هوا از آتش (۶۴) بات نمگر^۲: پدیدآورنده هوا از آب (۶۵) بات گِل گر^۳: پدیدآورنده هوا از خاک (۶۶) بات گیرتوم^۴: پدیدآورنده گردباد، سازنده هوا و زمین (۶۷) آذرکیریت توم^۵: پدیدآورنده آتش از گل و گورد، برافروزنده آتش (۶۸) بات گرجای^۶: پدیدآورنده هوا در همه جا، سازنده باد (۶۹) آوتوم^۷: پدیدآورنده آب (۷۰) گل آذرگر^۸: پدیدآورنده خاک از آتش (۷۱) گل وات گر^۹: گر^۹: پدیدآورنده خاک از هوا (۷۲) گل نمگر^{۱۰}: پدیدآورنده خاک از آب (۷۳) گرگر^{۱۱}: سازنده سازندگان (۷۴) گراگر^{۱۲}: سازنده خواستها (۷۵) گراگر^{۱۳}: آفریدگار انسان (۷۶) گراگرگر^{۱۴}: آفریدگار امشاسپندان (۷۷) آگراگر^{۱۵}: آفریدگار چهار آخشیح^{۱۶} (۷۸) آگراگرگر^{۱۷}: آفریدگار چهر^{۱۸} ستارگان (۷۹) آگومان^{۱۹}: بی‌گمان (۸۰) آژمان، آزمان^{۲۰}: بی‌زمان، ابدی (۸۱) آخوان^{۲۱}، اخواب: بی‌خواب (۸۲) آموشت هوشیار^{۲۲}: بخشایشگر هوشیار (۸۳) فشتونا^{۲۳}: نگهبان تن (۸۴) پته مانی، پدمانی^{۲۴}: همیشه دادگستر (۸۵) پیروزگر^{۲۵}: پیروز، فاتح (۸۶)

1. wāt āzargar
2. wāt namgar
3. wāt gēllgar
4. wāt gîr tûm
5. āzar kîbrît tûm
6. wāt gar jāy
7. āwtûm
8. gēl āzargar
9. gēl wātgar
10. gēl namgar
11. gargar
12. gar-o-gar
13. gar-ā-gar
14. gar-ā-gargar
15. agar-ā-gar

۱۶. عناصر اربعه، یعنی: آب، باد، خاک و آتش

17. agar-ā-gārgar

۱۸. سرشت

19. agūmān
20. azamān
21. axā-ā-n
22. āmūst hošyār
23. fašūtanā
24. patahmānī
25. pīrozgar

خداوند، خوه دای^۱: خداوندگار، مالک (۸۷) اهوره مزده، اورمزد^۲: هستی بخش دانا (۸۸) آبرین کوهن توان^۳: بزرگ آفریدگار بی آغاز (۸۹) آبرین نوتوان^۴: بازساز بزرگ (۹۰) وِسپان^۵: وِسپان^۶: نگاه دارنده همه (۹۱) وِسپار^۷: بخشنده (۹۲) خِواوَر^۸: هستی بخش، فرمانروای جهان جهان (۹۳) آهو^۹: بخشایش گر (۹۴) آوَحشیدِر^{۱۰}: بخشنده بخشایش گر (۹۵) داتار^{۱۱}: آفریننده (۹۶) رایومند^{۱۲}: رخشنده (۹۷) خَرِهَمند، خَرِهَمند^{۱۳}: باشکوه، فرهمند (۹۸) داوَر^{۱۴}: قاضی (۹۹) گَرَفه گر^{۱۵}: رستگاری بخش (۱۰۰) بوختار^{۱۶}: رهایی بخش (۱۰۱) فرشوگر^{۱۷}: رستاخیزکننده.

این نام‌ها اشاره به صفات اصلی مزدای پاک است، که بیانگر ویژگی‌ها و افعال او هستند. مزدا خود یک مینو است،^{۱۷} یعنی وجودی بدون جسم است. اگرچه وی به صفاتی چون گویایی، شنوایی، بینایی و ... متصف است، اما این‌که او همه چیز را می‌بیند و حتی آهسته‌ترین صداها را می‌شنود، دلیلی بر جسمانی و قابل رؤیت بودن او نیست. در *اوستا* هیچ عبارت و پیامی وجود ندارد که در آن از اهورا مزدا به شکل قابل رؤیت یاد شده باشد. این‌که او به عنوان خوش پیکرترین، دارای زیباترین هیأت و ... بیان شده است، به این معنا نیست که او دارای شکل و صورتی قابل رؤیت برای بشر باشد، بلکه منظور از این گونه عبارات، جلب توجه به این نکته است که او مظهر این صفات است. به‌عنوان نمونه، در یشت ششم، خورشید به منزله پیکر مزدا معرفی شده است، اما هیچ کس جز این فکر نمی‌کند که این اشاره، تنها یک

1. xiwadāy
2. āhora mazda
3. abrīn kūhan tawān
4. abrīn now tawān
5. waspān
6. waspār
7. xiwāwar
8. āhū
9. awaxšīd-ir
10. dātār
11. rayowmand
12. xarêhmand
13. dāwar
14. kéréfagar
15. buxtār
16. faršūgar

تمثیل و بیان شاعرانه است. روشنایی در حقیقت جوهر اهورا است و همه انوار، پرتویی از وجود او هستند، زیرا صفت مزدا، نورالانوار است.^۱ او با نیکوترین واژه مقدس یعنی -اشه و همیشه -پاکی و خلوص توصیف شده است. وی مظهر خوبی‌ها است و تنها نیکی از او صادر می‌شود و از همین رو، بارزترین و اصلی‌ترین صفت باورمندانش، پاکی و خلوص است. ایشان همان اشونان^۲ در دین مزدیسنا هستند.^۳

منابع

- آذرگتسب، فیروز، ترجمه و تفسیر گاتاها، تهران، ۱۳۸۹ش.
- اوستا، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران، ۱۳ش.
- اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، تهران، ۱۳۷۱ش.
- بهرامی، احسان، فرهنگ واژه‌های اوستایی، تهران، ۱۳۶۹ش.
- پیرنیا، حسن، تاریخ ایران قبل از اسلام، تهران، ۱۳۸۰ش.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتورونا، تاریخ ایران باستان، ترجمه مهرداد ایزدپناه، تهران، ۱۳۸۹ش.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، به کوشش محمد معین، تهران، ۱۳۶۲ش.
- حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، تهران، ۱۳۷۹ش.
- خرده اوستا، رشید شهردان، تهران، ۱۳۸۰ش.
- دوانلو، فرانک، گات‌های زرتشت (متن تطبیقی براساس هشت ترجمه فارسی)، شیراز، ۱۳۸۷ش.
- دوشن گیمن، ژ.، زرتشت و جهان غرب، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، ۱۳۵۰ش.
- دهالا، مانک جی نوشیروان، خداشناسی زرتشتی، ترجمه رستم شهزادی، تهران، ۱۳۸۵ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، به کوشش محمد معین، تهران، ۱۳۷۷ش.
- شارب، رلف نارمن، فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، تهران، ۱۳۸۸ش.
- صفی زاده، فاروق، «صد و یک نام اهورامزدا»، چیستا، شماره ۱۵۴.
- طوسی مراغی، حمید، کتیبه بیستون، تهران، ۱۳۸۲ش.
- عالیخانی، بابک، بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- فرای، ریچارد ن.، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، ۱۳۷۷ش.
- فرنیغ دادگی، بندهش، ترجمه مهرداد بهار، تهران، ۱۳۶۹ش.

۱. گیگر، ویندشیمن، اشپیگل و سن جانا، ص ۱۷۱.

2. Schlerath, B., p.705.

۳. گیگر، ویندشیمن، اشپیگل و سن جانا، ص ۱۷۶.

- کامرون، جورج، «نسخه‌برداری از کتیبه‌های داریوش»، ترجمه فرهاد آبادانی، مجله باستان‌شناسی، ش ۱ و ۲، ۱۳۵۹ش.
- کرین بروک، فیلیپ، «اخلاق و جامعه در فلسفه زرتشتی»، ترجمه سید سعید رضا منتظری، جستاری در فلسفه زرتشتی، قم، ۱۳۸۸ش.
- گیرشمن، رومن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، ۱۳۶۸ش.
- گیگر، ویندشیمن، اشپیگل و سن جانا، *عصر اوستا*، به کوشش و ترجمه مجید رضی، تهران، ۱۳۴۳ش.
- مجتبیایی، فتح الله، *شهر زیبای افلاطون و شاه‌ی آرمانی در ایران باستان*، تهران، ۱۳۵۲ش.
- مشکور، محمد جواد، *تاریخ اجتماعی عهد باستان*، تهران، ۱۳۴۷ش.
- نیبرگ، هنریک ساموئل، *دین های ایران باستان*، ترجمه سیف الدین نجم آبادی، تهران، ۱۳۵۹ش.
- هنینگ، والتر برونو، *زرتشت سیاستمدار یا جادوگر*، ترجمه کامران فانی، تهران، ۱۳۶۵ش.
- هیتس، والتر، *داریوش و ایرانیان: تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان*، ترجمه پرویز رجبی، تهران، ۱۳۸۶ش.
- هینلز، جان راسل، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، ۱۳۷۳ش.
- یانگ، کایلر، *ایران باستان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، ۱۳۸۵ش.
- Boyce, M., "Ahura Mazda", *Encyclopedia Iranica*, E. Yarshater (ed.), California, 1998.
- Idem, *A History of Zoroastrianism*, Leiden, 1975.
- Darmesteter, James, "The Zand Avesta, the Sirōzahs, Yasts and Nyāyis", *Sacred Books of the East*, Delhi, vol.23, 1960.
- Darrow, William, "Zoroastrianism", *Encyclopedia of Religious Practices*, U.S.A, 2006.
- Dijkstra, Henk, *History of The Ancient and Medieval World (The Early Middle Ages in Western Asia and Europe)*, New York, 2009.
- Forlong, J.G.R., "Ahura-Mazda", *The Encyclopedia of Religions or Faiths of Man*, New Delhi, 2005.
- Gnoli, Gherado, "Ahura", *Encyclopedic of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, 1987.
- Hartz, Paula R., *World Religions (Zoroastrianism)*, New Delhi, 2008.
- Hintze, A., "On The Literary Structure of The Older Avesta", *Bulletion of the School of Oriental and African Studies*, 2002, vol.65, part.1.
- Ince, Richard, *Dictionary of Religion and Religions*, New Delhi, 2007.
- Jacob, Safra E., "Ahura mazda", *The New Encyclopedia Britannica*, Chicago, 1968.
- Kuiper, F.B.J., "Ahura", *Encyclopedia Iranica*, E. Yarshater (ed.), California, 1998.
- Long, Bruce J., "Cosmic Law", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), 1987.
- Mills, L. H., "The Yasna, Vispard, āfrinagān, gāhs, the Zend-Avesta ,Part 2", *The Sacred Books of the East*, Motilal Banarisdass, Delhi, 1960.
- Moulton, James H., *The Treasure of The Magi*, London, 1917.

-
- Zehner, R.C., *The Dawn and Twilight of Zoroastrianism*, London, 1975.
 - Schlerath, B., "Aša", *Encyclopedia Iranica*, E. Yarshater (ed.), California, 1998.
 - Widengren, Geo, *Iranische Geisteswelt*, Amsterdam, 1961.